



بسوی يك نظام سالم اخلاقی

بازسازی جامعه در این مرحله حساس تاریخ
بدون يك نظام سالم اخلاقی امکان پذیر نیست

اکنون که جامعه مسلمان ایران قهرمانانه در مقابل استبداد و استعمار ایستادند و خودگذشتگی و فداکاری اعجاب انگیزی از خود نشان دادند و با خون خویش انقلاب اسلامی را در مدت کمی به آستانه پیروزی رساندند و حیرت تمام جهانیان را برایگیختند ، ضرورت دارد به این نکته عمیقاً توجه کرد که در عوض ایجاد يك نظام عادلانه اجتماعی که خواست همه مسلمانان می باشد بر همه ملت مسلمان است که شدیداً به اندرون خویش

و افکار و روحیات و خصصیات های روحی خود مراجعه و یک نظام اخلاقی سالمی مطابق با جامعه توحیدی در حیات معنوی خود بوجود آورند . یعنی هر فردی موظف است که برای انطباق با وضع تازه برای به ثمر رساندن اهداف عالی اسلامی با اصطلاح « روح تکانی » کند و از صفات ، آنچه را که با هویت توحیدی جامعه ما منافات دارد دور بریزد و آنچه که موجب شرك و دوری از سعادت و آسایش و رفاه مسلمانان می باشد بمرغز و روح خود راه ندهد . از جمله آنها ریاضت کاری و تظاهر می باشد ، زیرا این صفت مذموم با مقصود اصلی حرکت توحیدی و لقاء پروردگار ابدآ سازگاری ندارد .

از امام صادق (ع) در مورد این آیه : « فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا » سؤال کردند فرمود : فرد ، عملی را که موجب ثواب و پاداش است بجای آورد و لکن در انجام آن رضای خدا را در نظر نگیرد و تنها هدفش این باشد که مردم ، او را شخص پاک و دینداری بدانند ! همین شخص در عمل خود برای خدا ، شريك قرار داده است و یکی از موارد شمول آیه شریفه می باشد .

دقت در مضمون این آیه و روایت وارده در مورد آن ، به خوبی ثابت می کند که ریا و تظاهر از مظاهر بارز شرك بعباد است ، و نتیجه آن ، این است که خداوند ریاکار را بحال خود ، و امی گذارد و بدیهی است که واگذاری بخود ، نتیجه ای جز سرگردانی و بدبختی و دوری از منبع قدرت و تکامل حیات ندارد زیرا بشری که عمل به خاطر او انجام گرفته است مثل انجام دهنده آن عاجز و ناتوان بوده ، محتاج به خالق و آفریننده خود می باشد و از آدم عاجز و ناتوان چه کاری ساخته است ؟

امام صادق (ع) یکی از اصحاب خود بنام « عباد » فرمود :

« و بلك يا عباد! اياك والريا فانه من عمل بغير الله و كله الله الی من عمل له » (۹)

و ای بر تو ای عباد ! از ریا و تظاهر دوری کن زیرا اگر برای غیر خدا عملی را انجام دهی خداوند کارت را بهمان غیر واگذار می کند (یعنی بی پناه بوده از دریای رحمت خدا دور می افتد مثل آبی در گودالی دور افتاده از دریا ، بالاخره متعفن شده خاصیت وجودی خود را از دست می دهد) .

* * *

برخی از مردم خیال می کنند هنگامیکه عملی را انجام داده اند ، وظیفه خود را بحد کمال به انجام رسانده ، دیگر به ابقاء آن سعی در ادامه عوامل بقاء ، نیازی نیست در حالیکه می دانیم مقصود اصلی از هر اقدامی و عملی از هر قبیل که باشد خواه مربوط به امور زندگی دنیا باشد یا به امور آخرت وقتی بدست می آید که عمل را با توجه به موقعیت خاص آن با تمام شرائط و خصوصیات آن دنبال کنیم تا به نتیجه مطلوب برسد و از جمله

شرائط صحت عمل ، این است که آنرا جز برای خدا بجای نیاوریم .
 امام باقر (ع) اهمیت این مسأله را با این جمله بیان فرمود :
« الإبقاء على العمل اشد من العمل » (۲) : تداوم عمل و باخر رسانیدن آن
 مهمتر از انجام آن است . سپس راوی سؤال نمود : مراد از **« ابقاء عمل »** چیست ؟ در
 پاسخ فرمود :

« فردی به خویشاوندان خود کمک می کند و در راه خدا اتفاق می نماید این عمل
 برای او نزد خداوند ثواب نوشته می شود ولی اگر در عمل خود ریاکاری کرده برای خوشایند
 دیگران آنرا باز گو کند ثواب واجب (خاصیت، وجودی) آن از بین می رود و گاهی نیز شخصی ،
 عملی را به طور آشکار و علانیه انجام می دهد و از آن پیش دیگران نام می برد و برای
 خوشایند مردم ، آنرا به زبان می آورد پس این عمل ، برای او ریا نوشته می شود . »
 وقت در مضمون این آیه و روایت وارده در مورد آن ، به خوبی ثابت می کند که ریا
 و تظاهر از مظاهر بارز شرک ب خدا است ، و نتیجه آن ، این است که خداوند ریاکار را بحال
 خود ، وامی گذارد و بدیهی است که واگذاری بخود ، نتیجه ای جز سرگردانی و بدبختی و
 دوری از منبع قدرت و تکامل حیات ندارد زیرا بشری که عمل به خاطر او انجام گرفته
 است مثل انجام دهنده آن عاجز و ناتوان بوده ، محتاج به خالق و آفریننده خود می باشد
 و از آدم عاجز و ناتوان چه کاری ساخته است ؟ .

امام صادق (ع) یکی از اصحاب خود بنام «عباد» فرمود :
« ويلك يا عباد! اياك والريا فانه من عمل يغير الله و كله الله الی من عمل له » (۳)
 وای بر تو ای عباد ! از ریا و تظاهر دوری کن زیرا اگر برای غیر خدا عملی را انجام دهی
 خداوند کارت را بهمان غیر واگذار می کند (یعنی بی پناه بوده از دریای رحمت خدا دور
 می افتد مثل آبی در گودالی دور افتاده از دریا ، بالاخره متعفن شده خاصیت وجودی خود
 را از دست می دهد) .

* * *

برخی از مردم خیال می کنند هنگامیکه عملی را انجام داده اند ، وظیفه خود را بحد
 کمال به انجام رسانده ، دیگریه ابقاء آن و سعی در ادامه عوامل بقاء ، نیازی نیست در
 حالیکه می دانیم مقصود اصلی از هر اقدامی و عملی از هر قبیل که باشد خواه مربوط به امور
 زندگی دنیا باشد یا به امور آخرت وقتی بدست می آید که عمل را با توجه به موقعیت
 خاص آن با تمام شرائط و خصوصیات آن دنبال کنیم تا به نتیجه مطلوب برسد و از جمله
 شرائط صحت عمل ، این است که آنرا جز برای خدا بجای نیاوریم .

۱ - جامع السادات ج ۲ / ۳۸۸

۲ - جامع السعادات ج ۲ / ۳۸۹

امام باقر (ع) اهمیت این مسأله را با این جمله بیان فرمود :

« **الابقاء علی العمل اشد من العمل** » (۱) : تداوم عمل و بآخر رسانیدن آن مهمتر از انجام آن است . سپس راوی سؤال نمود : مراد از « **ابقاء عمل** » چیست ؟ در پاسخ فرمود :

« فردی به خویشاوندان خود کمک می کند و در راه خدا انفاق می نماید این عمل برای او نزد خداوند ثواب نوشته می شود ولی اگر در عمل خود ریاکاری کرده برای خوشایند دیگران آنرا باز گو کند ثواب و اجر (خاصیت و جود) آن از بین می رود و گاهی نیز شخصی ، عملی را به طور آشکار و علانیه انجام می دهد و از آن پیش دیگران نام می برد و برای خوشایند مردم ، آنرا به زبان می آورد پس این عمل ، برای او ریا نوشته می شود . »

برای اینکه به حقیقت این گفتاری بپریم می توان به کیفیت انجام اعمال بدنی و روحی و نتایج حاصل از آنها نظری کوتاه افکند . . .

مثلا غذائی که ما انسانها بلکه سایر حیوانات از همان هنگام که وارد دهان می شود بعد مری و معده و روده ها و . . . مراحل و اعمال پیچیده مکانیکی و شیمیائی و تغییراتی که در آنها بوجود می آید وهم آهنگی های حیرت انگیزی که سایر اعضا و جوارح در هضم و در نتیجه تبدیل آن بانرژی لازم انجام می دهد از نظر بگذرانیم بخوبی درمی یابیم که تبدیل غذا به انرژی مورد احتیاج ، وابسته به تحقق شرائط و اعمال گوناگون بسیار دقیقی است بطوریکه کوچکترین اختلال در آنها باعث بهم خوردن هماهنگی ویا لااقل کندی آنها میگردد . پس مجرد گذاشتن غذا در دهان ویا وارد شدن در معده بدون ترشح اسید معدی و بدون همکاری اعضا دیگر از قبیل کبد ، لوزالمعده و . . . ویا تنها ورود آنها به روده ها بدون انجام گرفتن اعمال خاص آن اعضا و عدم تقسیم عادلانه شیرۀ این غذا در تمام اعضا و جوارح از کوچک و بزرگ به نسبت نیاز خود ، نمی تواند در گرفتن نیروی لازم و تأمین سلامت و صحت بدن مؤثر باشد .

* * *

در پایان ، تذکر این نکته لازم است که چه بسا ممکن است پاره ای از خوانندگان گمان کنند که تظاهرات و در هر حال و در هر مورد ، مذموم می باشد در حالیکه باید توجه داشت که حکم ریا در موارد مختلف ، متفاوت بوده ، و دارای احکام مختلفی است . در برخی از موارد مانند عبادات (اعمالی که شرط قبولی آن و ترتیب پاداش و اجر ، قصد قربت در آن می باشد) نه تنها مذموم بوده بلکه موجب بطلان اصل عمل نیز می گردد یعنی آن را از خاصیت می اندازد زیرا آدم ریا کار یعنی کسیکه عملی را به خاطر دیگری انجام می دهد قصد

امثال امربروردگار نکرده از عهدۀ انجام وظیفه و تکلیف واجبی بر نیامده است .
 اما در غیر عبادات ، ریا و تظاهر گاهی مذموم می باشد بهمان ملاکی که در مورد عبادات گفته شد و گاهی مباح بلکه در برخی از موارد مستحب نیز می باشد و آن در موردی است که انسان مثلا در برابر چشمهای مردم ، لباس فاخر بپوشد تا زبان ملامت گران و نادانانیکه گمان کنند شرف و اعتبار و شخصیت انسان مثلا به لباس فاخر پوشیدن است ببندد زیرا در این صورت احتراز از مذمت کنندگان مذموم نیست منتهی حکم این عمل بملاحظه اختلاف زمانها و مکانها و اشخاص مختلف ، متفاوت می شود و در هر مورد حکم خاص خود را دارد .

روزی رسول خدا خواست در میان اصحاب خود ظاهر شود قبل از حرکت ، جلوی آینه همامه و موی سر خود را مرتب کرد ، از آنحضرت از جهت این عمل سؤال شد فرمود :
 « ان الله تعالى : يحب من العبد ان يتزين لاخوانه اذا خرج اليهم » خداوند دوست دارد بنده ای را که که هنگام ملاقات با دوستان و برادران دینی خود به وضع لباس و موی سر و سایر بدن از لحاظ تمیزی و آراستگی و مرتب بودن برسد .
 در حقیقت باید گفت گرچه تظاهر انجام این عمل ، بخاطر دیگران است و لکن در حقیقت این کار ، یکی از وظائف آداب معاشرت و ملاقات با برادران دینی هر انسان وظیفه شناسی است زیرا اسلام می خواهد ملاقاتها جالب تر و گیراتر و نه تنها موجب نفرت و دوری از هم دیگر نباشد بلکه موجب پیوستگی و الفت بیشتری گردد .

از اینرو از امام علی (ع) منقول است که فرمود : يتزين احدكم لآخيه المسلم كما يتزين للغريب الذي يحب ان يراه في احسن الهيئة « باید هر فردی هنگام ملاقات با برادر دینی ، خویشتن را بیاراید و بسر وضع لباس خود برسد چنانکه این کار را با بیگانه ای که دوست دارد او را با بهترین هیئت ببیند انجام می دهد . »

دلیل این کار را امام صادق (ع) بطور صراحت بیان می کند چنانکه فرمود :
 « الثوب النقي يكبت العدو » لباس تمیز و پاکیزه دشمن را خاضع می سازد زیرا دشمن در اثر کوته فکری به سجایای باطنی و خصائل انسانی نمی نگرد و نظرا و در ظواهر مثل لباس و غیر آن محدود می شود .